

**در باره زندگی رفیق شهید
رضا بهفر!**

در راه رهایی کارگران و توده های ستمدیده میهنمان از سلطه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، انقلابیون بسیاری جان خود را فدا کرده اند. چریک فدایی خلق رفیق شهید رضا بهفر یکی از این انقلابیون جان بر کف بود که با خون خود درخت تنومند انقلاب ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای میهنمان را آبیاری نمود. رفیق رضا در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۵ در یک خانواده متوسط در شهر بابل بدنیا آمد. هنگام تولد، پدرش بدلیل مبارزه با رژیم شاه مزدور در زندان بسر می برد و مادرش مجبور بود فشار و مصائب بی شمار زندگی خانواده را به تنهایی بر دوش بکشد. رفیق رضا در سن ۷ سالگی مادرش را از دست داد و با مرگ او هر چه بیشتر مشکلات زندگی بر دوش سنگینی نمود. رفیق زمانی که دوران دبیرستان را طی میکرد با قانونمندی های ذاتی نظام طبقاتی و با مطالب حاکم بر جامعه هر چه بیشتر آشنا شد و به سهم خویش در مبارزه با ظلم و زوری که در حق هموطنانش روا می شد به مبارزه برخاست. در این دوره وقتی یکی از هم مدرسه ای های او که در کلاسی بالاتر درس میخواند را بدلیل خواندن انشائی افشاگرانه به ساواک بردند در حمایت از او چنان اعتراضی در مدرسه به راه انداخت که ناظم مدرسه به خانواده رفیق رضا اطلاع داد که اگر آشنائی با شما نبود او را هم به ساواک معرفی می کردیم. رفیق رضا بهفر پس از اخذ دیپلم به خدمت سربازی رفت و دوره خدمتش را به عنوان سپاهی دانش در یکی از روستاهای رحیم آباد رامسر بنام "خراسان پشته" گذرانید. اهالی این روستا که در بلندترین نقطه کوهستانی آن منطقه واقع شده بود در وضعیت زیست و معیشت دهشتناکی به سر می بردند. زندگی در روستا باعث گردید تا رفیق رضا تضادهای

**ده ها کشته و زخمی بدنبال انفجار در
معدن زغال سنگ در استان گلستان!**

روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه، در پی وقوع انفجار در معدن زغال سنگ زمستان یورت شمال غربی در منطقه خوش بیلاق استان گلستان، شماری از کارگران در این واحد معدنی بر اثر ریزش تونل معدن گرفتار شدند. بر اساس این گزارش، تونل فوق الذکر که دچار انفجار شده، فعالترین تونل معدن بوده و در زمان بروز حادثه، حدود ۶۰ تا ۷۰ کارگر در تونل مشغول به کار بوده اند. گزارش علت انفجار را جمع شدن گاز و ضعف تهویه بیان داشته و می افزاید: از قرار معلوم، ضعف دستگاه تهویه ۲۴ ساعته معدن باعث جمع شدن گاز در فضای معدن شده است. در ساعت ۱۱ صبح وقتی موتور دیزل از کار می افتد، کارگران خارج می شوند و هنگام برگشتن و تعمیر دیزل، با روشن شدن آن، در اثر یک جرقه، و به علت تجمع گاز انفجار رخ می دهد. روز پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی که در محل حادثه انفجار معدن زمستان یورت آزادشهر حضور یافته بود در جمع خبرنگاران اعلام کرد که در این حادثه ۳۳ کارگر معدن جان خود را از دست دادند. به گفته وی، ۱۶ تن از این جانباختگان شناسایی شده اند. رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر نیز اعلام کرد که در جریان انفجار معدن ۸۳ تن مصدوم شدند.

**رد شدن لایحه اصلاح قانون کار، در
کمیسیون مجلس!**

به گزارش ۲۳ فروردین ماه فارس، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در گفتگویی اظهار داشت؛ لایحه اصلاح قانون کار در جلسه اخیر کمیسیون اجتماعی مجلس رد شد. وی با تاکید بر اینکه بهتراست دولت لایحه را پس گیرد، گفت: در ۷ ماده از این لایحه به بحث ۳ جانبه گرای و توافقی ها میان گروه های ذی نفع توجه نشده است، به عنوان مثال در تعیین حداقل حقوق و دستمزد، اعتراضات صنفی و تشکیل سازمان ها و تشکل های کارگری هیچ توافقی میان گروه های کارگری، نمایندگان دولت و کارفرمایان صورت نگرفته است.

**سرسخن:****جنایتی دیگر!**

با انفجار معدن زغال سنگ "زمستان یورت شمال غربی" واقع در آزاد شهر، استان گلستان و کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از کارگران این معدن بار دیگر پرده از چهره جنایتکار و ضد کارگری بورژوازی ایران و رژیم حامیش جمهوری اسلامی کنار زده شد. از روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ که این واقعه رخ داد اخبار و مسایل مربوط به این معدن همچنان در راس اخبار کشور قرار دارد.

در این روزها مشاهده صحنه های دردناک خشم و درد کارگران آزاد شهر و رنج و عذاب نفس بُر خانواده های محروم کارگران محبوس و قربانی شده در اعماق زمین نفرت تمامی کمونیستها و انسانهای باوجدان نسبت به شرایط وحشتناک کارگران معدن در سراسر کشور را برانگیخته است.

چشمهای اشکبار مادران و همسران کارگرانی که در زیر خاک مدفون شده و آنها حتی به جسد عزیزانشان نیز تاکنون دست پیدا نکرده اند، چهره دردمند توأم با شرمندگی و استیصال کارگرانی که برای نجات همقطارانشان، خود تا یک قدمی مرگ رفتند، تن های زخمی و فرسوده مردان توانمند معدن، فغان و گریه های خشم آلود کودکانی که پدر زحمتکش خود را در فاجعه معدن "محبوس گاه" کارگران که "آزاد شهر" می نامندش از دست دادند قلب همه طرفداران راستین کارگران ایران که خود را در کنار این کارگران و بازماندگانشان می بینند را به درد آورده است؛ قلب همه آنانی را که می دانند مسبب واقعی همه این مصیبت ها حرص و آز سرمایه داران زالو صفتی می باشد که برای جان کارگران ارزشی قائل نیستند و در حالی که خود انگل وار از حاصل رنج و زحمت همین معدنچیان به عیش و نوش می پردازند به این کارگران به

جنایتی دیگر...

از صفحه ۱

به چشم کالاهای یک بار مصرف نگاه می کنند. با انفجار مرگبار معدن آزادشهر زخم های کهنه و دردهای بی شمار کارگران تحت ظلم و ستم بی حد و حصر سرمایه دارن بار دیگر سر باز کرد و چرک و عفونت مناسبات کثیف و استثمارگرانه سرمایه داری حاکم بر ایران بار دیگر در مقابل چشم همگان فرار گرفت. چرک و عفونت نظام

فرتوتی که به قدرت ضرب و زور جمهوری اسلامی شرایط بس جهانی برای کارگران ایران و یکی از ستمدیده ترین بخش های آن یعنی کارگران معدن آفریده است. آنچه در زیر می آید بازگوئی این واقعیت می باشد. به خصوص که خود کارگران معدن گوشه ای از شرایط کار وحشتناک خود را بر زبان رانده و سخنان آنان بخشاً در رسانه ها منعکس شده است.

یکی از عمده ترین مسایلی که رسوائی سردمداران جمهوری اسلامی را در حمایت از سرمایه دارن انگل در ابعاد هر چه گسترده تری باعث گشته این امر است که معدن مزبور اساساً فاقد وسایل

ایمنی بود و صاحبان این معدن که از قبیل کار بسیار سخت و دشوار معدنچیان ثروت های کلانی به دست می آورند حتی از گذاشتن ابتدائی ترین وسایل در اختیار کارگران آنهم در ارتباط با کار طاقت فرسای آنان در اعماق زمین دریغ کرده بودند. انفجار اخیر نیز درست به دلیل آزمندی آنها و عدم صرف هزینه جهت ایمن سازی محیط کار به وقوع پیوست. در همین رابطه خود رسانه های جمهوری اسلامی اعتراف کردند که این انفجار به دلیل جمع شدن حجم بالائی از گاز های قابل اشتعال و خطرناک به دلیل ضعف سیستم تهویه معدن رخ داده است. تازه، بر اساس گفته کارگران، کارفرمای این معدن از عدم ایمنی محیط کار مطلع بوده و کاملاً بر این امر وقوف داشته است که هر آن ممکن است فاجعه ای برای کارگران معدن رخ دهد. چنانچه کارگران گفتند که: ما " بار ها عدم ایمنی محیط کار را به مسئولین تذکر دادیم، اما هر کسی اعتراضی می کرد از کار اخراج میشد." همچنین کارگران شرایط تونل معدن را به این صورت توصیف کرده اند که: "به صورت یکطرفه و محوطه بسته است و وقتی انفجار صورت میگردد همه موجودات زنده در تونل بر اثر گاز گرفتگی جان خود را از دست میدهند." به قول یکی از کارگران این معدن کارفرما به فکر جان کارگران نبود و "اگر معدن ایمنی داشت که اینطوری نمیشد."

نکته دیگر، این واقعیت است که جدا از اینکه معدن مزبور فاقد وسائل ایمنی لازم بوده و برای نمونه دستگاه سنجش میزان گاز و دستگاه تهویه معدن از گاز های

خطرناک در سطح نیاز های چنین معدنی نبوده است مسئولین معدن حتی از گذاشتن وسائل ضروری ای نظیر ماسک اکسیژن و چراغ در اختیار کارگران دریغ کرده بودند. به همین دلیل نیز در هنگام وقوع حادثه اخیر کارگران برای نجات هم طبقه ای های خود حتی وسایلی چون ماسک اکسیژن و چراغ در اختیار نداشتند و همانطور که می دانیم تعدادی از آنان بدون داشتن چنین وسایل

یکی از رسوائی های دیگر جمهوری اسلامی در این رویداد زمانی آشکار شد که علی ربیعی، وزیر کار دولت روحانی دلیل این انفجار را به حساب "بی احتیاطی" کارگران گذاشت. ادعای بی اساسی که از سوی استاندار گلستان هم تکرار شد و سرانجام هم رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت و درمان بطور رسمی در تلاش برای فریب افکار عمومی علت حادثه را خطای یکی از کارگران معدن اعلام کرد. ربیعی، یکی از عناصر لات و چاقوکش جمهوری اسلامی که مدارج به اصطلاح ترقی خود در این رژیم را با حمله به خانه کارگر در سال ۱۳۵۸ آغاز کرده در شرایطی چنان یاوه ای را بر زبان راند که همه کارگران جان بدر برده از فاجعه اخیر هر روز در مقابل این معدن فریاد می زنند که اگر سیستم تهویه به درستی کار می کرد این همه گاز به خصوص گاز متان در معدن جمع نمی شد که با یک جرعه چنین انفجاری اتفاق افتد و چنین فاجعه ای را شکل دهد! تازه کارگران تصریح کرده اند که " از روز گذشته بوی گاز در معدن استشمام می شد" و "این موضوع به مسئولان توضیح داده شده بود." یکی از کارگران تاکید می کند که: " در محل کارگاه یک دستگاه گاز برای سنجش وجود نداشت."

جمهوری اسلامی که مدارج به اصطلاح ترقی خود در این رژیم را با حمله به خانه کارگر در سال ۱۳۵۸ آغاز کرده در شرایطی چنان یاوه ای را بر زبان راند که همه کارگران جان بدر برده از فاجعه اخیر هر روز در مقابل این معدن فریاد می زنند که اگر سیستم تهویه به درستی کار می کرد این همه گاز به خصوص گاز متان در معدن جمع نمی شد که با یک جرعه چنین انفجاری اتفاق افتد و چنین فاجعه ای را شکل دهد! تازه کارگران

ای را شکل دهد! تازه کارگران تصریح کرده اند که " از روز گذشته بوی گاز در معدن استشمام می شد" و "این موضوع به مسئولان توضیح داده شده بود." یکی از کارگران تاکید می کند که: " در محل کارگاه یک دستگاه گاز برای سنجش گاز در معدن وجود نداشت."

دروغگوئی وزیر کار و تکرار آن از طرف مزدوران دیگر به حدی موجب خشم کارگران مصیبت دیده قرار گرفت که آنها برای بر ملا ساختن کذب آن ادعا دسته جمعی به نزد یکی از آنها رفتند.

در همین رابطه یکی از کارگران می گوید که وقتی شنیدیم

استاندار استان گلستان، کارگران را مقصر جلوه داده تا فهمیدیم که به محل معدن آمده است رفتیم پیش او. از او پرسیدیم که "از کجا به این نتیجه رسیده ای؟" و از او خواستیم که: "به ما توضیح بده چرا ما مقصر هستیم." این کارگر آشکار کرد که "جناب استاندار" که در مقابل فاکت های عینی ای که کارگران ارائه می دادند حرفی برای زدن نداشت به دروغی دیگر متوسل شده و ادعا کرد که "من چنین حرفی نزده ام."

رسوائی دیگر سردمداران جمهوری اسلامی در جریان این رویداد تغییر ساعت انفجار معدن می باشد. گزارشات متعددی از طرف دست اندر کاران جمهوری اسلامی از انفجار معدن در ساعت دوازده و پنج دقیقه ظهر خبر داده بود. اما کارگران می گویند که "حادثه ساعت ۹ صبح اتفاق افتاده است." همین واقعیت نشان می دهد که مسئولین معدن حتی بعد از انفجار هم به جای این که موضوع را فوراً به نیروهای امداد خبر دهند تلاش کرده اند به هر شیوه ممکن سر و ته مساله را هم بیاورند و سرانجام چون می بینند که ابعاد فاجعه بزرگتر از آن چیزی است که قابل کتمان باشد تازه ساعت ۱۱:۳۰ نیرو های امداد را خبر می کنند. یعنی دو ساعت و نیم پس از انفجار. خود آتش نشانان و امدادگران هلال احمر هم گفته اند که به آنها حدود ساعت ۱۱:۳۰ گزارش داده شده است و بعد از آن بوده که آنها خود را به محل رسانده اند. از همین جا کاملاً آشکار است که دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی برای

ابتدائی به نجات کارگران محبوس در معدن شتافتند که آنان نیز جان خود را از دست دادند. در همین رابطه یکی از کارگران به خبرنگاران گفت: " همان ساعات اولیه چند بار خواهش کردیم به ما کپسول اکسیژن بدهند تا خودمان داخل برویم" اما کپسولی نبود که بدهند.

از سوی دیگر بنا به گفته کارگران جان بدر برده از این فاجعه حتی بعد از انفجار و حضور نیروهای امدادگر هم در ابتدا نه وسائل ضروری برای نجات کارگران وجود داشت و نه این نیرو ها با کارگران و نیرو های مردمی جهت نجات جان کارگران همکاری لازم را کردند. این به اصطلاح نیروهای امدادگر، به گفته کارگران تنها کارشان جلوگیری از نزدیک شدن کارگران به معدن بود. در واقع نخستین واکنش رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی پس از انفجار معدن و فوران خشم و نفرت کارگران، ارسال نیروهای سرکوب برای کنترل اوضاع به جای عملیات سریع امداد رسانی بوده است. همین امر ماهیت سرکوبگرانه دیکتاتوری حاکم را یک بار دیگر بر ملا می سازد.

یکی از رسوائی های دیگر جمهوری اسلامی در این رویداد زمانی آشکار شد که علی ربیعی، وزیر کار دولت روحانی دلیل این انفجار را به حساب "بی احتیاطی" کارگران گذاشت. ادعای بی اساسی که از سوی استاندار گلستان هم تکرار شد و سرانجام هم رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت و درمان بطور رسمی در تلاش برای فریب افکار عمومی علت حادثه را خطای یکی از کارگران معدن اعلام کرد. ربیعی، یکی از عناصر لات و چاقوکش

کتمان این امر که حتی بعد از وقوع فاجعه هم به موقع به کمک کارگران نیامده اند، ساعت انفجار را دوازده و پنج دقیقه ظهر اعلام کردند. با چنین ترفندی (تغییر ساعت انفجار) آنها کوشیدند روی همه خلافکاری ها و عقب ماندگی های سیستم فرتوت خود پرده کشیده و از این طریق نیز نقش خود در مرگ کارگران بی گناه را لاپوشانی نمایند.

تازه پس از چنین رسوائی هائی، به رغم گذشت چند روز از انفجار معدن مزبور، نه تعداد دقیق کشته شدگان و مجروحان بطور رسمی روشن شده و نه از سرنوشت کارگران مجروح و کارگرانی که به کمک همکاران خود شتافته و در عمق معدن اسیر شدند اطلاع درستی داده می شود. پیش از این علی ربیعی از کشته شدن ۳۵ کارگر خبر داده بود. در حالی که کارگر درد کشیده ای که به نمایندگی از طرف دیگر کارگران معدن در اعتراض به روحانی، رئیس جمهوری که ظاهراً به قول همین کارگر تازه به یاد کارگران افتاده و به محل معدن رفته بود، از کشته شدن چهل کارگر در این انفجار خبر داد. این کارگر مشخصاً خطاب به روحانی گفت: "حالا یادتان افتاده اینجا آمدید؟ ۴۰ نفرمان را از دست دادیم. ۴۰ بچه بی پدر شده. ۴۰ تا زن بیوه شده". این سخنان نشان می دهند که آمار کشته شدگان در حادثه اخیر بیش از تعدادی است که ایادی جمهوری اسلامی تا کنون اعلام کرده اند.

از رسوائی های دیگر جمهوری اسلامی در ارتباط با فاجعه اخیر، آشکار شدن سطح دستمزد کارگران معدن آزادشهر و وضع بیمه کارگران می باشد. همه می دانند که کارگران معدن یکی از سخت ترین و خطرناک ترین کارها را انجام می دهند. حتی در سیستم سرمایه داری این امر مورد قبولی است که چنین کارگرانی باید از حقوق و امتیازهای ویژه ای برخوردار باشند. از جمله سطح دستمزد آنها باید بیشتر از کارگرانی باشد که در شرایط سهل تری کار می کنند. در حالی که با مصاحبه هائی که خبرنگاران مختلف با کارگران معدن منفجر شده آزاد شهر انجام داده اند معلوم می شود که این کارگران نه فقط بابت کار سخت و خطرناک و زیان آور خود حقوق ویژه ای دریافت نمی کنند بلکه به آنها حتی از میزان حداقل دستمزد تعیین شده توسط ارگان های رژیم کمتر پرداخت می شود. حداقل دستمزد بطور رسمی از سوی دولت ۹۳۰ هزار تومان برای هر ماه اعلام شده است، رقمی که خود بسیار پائین تر از خط فقر قرار دارد. اما صاحبان زالو صفت معدن مزبور حتی از پرداخت همین حداقل دستمزد رسمی هم به کارگران

که کارشان جزء کارهای سخت و خطرناک رده بندی شده مضایقه کرده اند. کارگران معدن در مقابل پرسش های خبرنگارانی که به دنبال این حادثه به محل معدن رفته بودند با صراحت اعلام کردند که پایه حقوق آنان تنها بین ۷۳۰ تا ۷۷۰ هزار تومان در ماه بوده است؛ و دردناک تر اینکه صاحبان معدن حتی همین مبلغ ناچیز برای گذران زندگی مصیبت بار را ماه ها با تأخیر به آنها می پردازند. همه کارگران معدن مزبور شهادت داده اند که ماهها از کارفرما حقوق پرداخت نشده طلبکارند. برای نمونه یکی از معدن چپان می گوید: "از سال ۱۳۹۲ تا کنون مسئولان مربوطه حقوقها را به صورت کامل واریز نکرده اند و در هر سال سه تا چهار ماه از حقوق ما را نپرداختند." و تصریح می کند که: "۱۸ ماه حقوق ما را پرداخت نکرده اند." و به این ترتیب در طول چند سال نزدیک به ۱۸ ماه حقوق پرداخت نشده طلب داریم. در مورد حق بیمه هم کارگران می گویند با اینکه سهم بیمه را از حقوق ما کسر می کنند اما هر سال تنها سه یا چهار ماه حق بیمه را می پردازند. با چنین دزدی از دسترنج کارگران توسط سرمایه داران عملاً خیلی از کارگران قادر به استفاده از بیمه که بابت آن پول (به واقع بخشی از حاصل زحمت خود را) پرداخته اند نیستند.

هر یک از واقعیت هائی که در بالا توضیح داده شده بیانگر جنایتی علیه کارگران می باشند. قرار گرفتن همه این واقعیات در کنار هم، مجموعه شرایط دهشتناکی را به نمایش می گذارد که سرمایه داران زالو صفت برای کارگران در سراسر ایران به وجود آورده اند. چنین شرایطی خشم و نفرت شدیدی را نسبت به سرمایه داران، ایادی و کلیت رژیم جمهوری اسلامی در دل کارگران ایران انباشته ساخته و علیرغم همه شرایط دیکتاتوری عنان گسیخته ای که با فاشیسم نیز قابل مقایسه نیست، پتانسیل اعتراضی آنها را افزایش می دهد. بیهوده نیست که وقتی روحانی برای فریبکاری و استفاده های تبلیغاتی در انتخاباتی که در پیش است به معدن مزبور سفر کرد ماشین اش مورد حمله کارگران قرار گرفت و کارگران خشمگینانه ترین کلمات را نثار این مزدور کثیف و دروغگو کردند. این کارگران با چنین عمل جسورانه ای احساس واقعی خود در برابر کل نظام استثمارگر حاکم و دست اندرکارانش را به معرض تماشا گذاردند. خشم انقلابی کارگران معدن آزاد شهر بیانگر بخش کوچکی از خشم سترگ همه کارگران رنج دیده ایران است که اگر روزی سر باز کند همه دستگاه ضد کارگری جمهوری اسلامی را به آتش خواهد کشید.

فاجعه انفجار در معدن آزاد شهر و کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از معدنچیان رنج دیده این واحد تولیدی در واقع گوشه ای از آنچه را که کارفرمایان ستمکار هر روز و در هر گوشه این کشور بر کارگران روا می دارند را با وضوح تمام در مقابل چشم همگان قرار داد. این فاجعه نشان داد که بورژوازی ایران چه دولتی و چه خصوصی آنچنان شرایط استثمارگرانه و وحشیانه ای در محیط کار شکل داده اند که تنها با تجلیات ضد انسانی نظام برده داری قابل مقایسه است، برده داری ای که در شرایط سلطه امپریالیسم (سرمایه داری انحصاری جهانی که به انحطاط رسیده) به شکلی نوین و از لحاظی ضد انسانی تر از پیش در قرن ۲۱ ظهور کرده است.

فاجعه دردناک اخیر که سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی قادر به لاپوشانی و ماست مالی آن نبودند تا حدی در سطح جامعه انعکاس یافته است و حتی مردمانی که از شرایط زندگی کارگران ایران غیر مطلع اند می توانند ببینند که سرمایه داران زالو صفت و رژیم حامی شان چنان شرایطی برای کارگران ستم دیده ما به وجود آورده اند که آنها باید در چارچوب آن جان بکنند تا اگر حقوق بخور و نمیر شان را پرداخت کردند بتوانند لقمه ای نان برای خود و خانواده شان فراهم کنند. تمامی شواهد دردناک در جامعه تحت سلطه ما از ضرورت تغییر و دگرگونی این شرایط غیر انسانی خبر می دهند. رسالت این امر بر دوش طبقه کارگر قرار دارد، این طبقه موظف است با ایجاد صف مستقل خود در راس جنبش قرار گرفته و در جریان یک انقلاب اجتماعی با دشمنان رنگارنگ خود تصفیه حساب قطعی بکند. تمام تجارب گذشته و تجربه مبارزات کارگران ما ثابت کرده است که در جامعه ما و در شرایط حاکمیت امپریالیستی که دیکتاتوری ذاتی آن می باشد برای کارگران ما دست یابی به آگاهی لازم، تشکل و ایجاد صف مستقل مسیر ویژه خویش را طی خواهد کرد. این مسیر، مسیر یک مبارزه قهر آمیز و جنگ طولانی ست. تنها چنین جنگ انقلابی ای قادر است که گام به گام دشمن را از مواضع خود عقب نشاند و شرایط تشکل سیاسی طبقه کارگر حول سازمان انقلابی خود را فراهم نماید.

به مناسبت اول ماه مه، تجمع جمعی از کارگران مقابل

مجلس شورای اسلامی در تهران!

صبح روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه برابر با اول ماه می، جمعی از کارگران تهرانی به مناسبت روز جهانی کارگر مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. بر اساس این گزارش، این کارگران قصد برگزاری تجمع به مناسبت روز جهانی کارگر داشتند که با برگزاری این تجمع، مخالفت شده است. کارگران مقابل مجلس پلاکاردهایی در ارتباط با افزایش دستمزدها، لغو قراردادهای موقت و آزادی عمل صنفی همراه داشتند.



در باره زندگی رفیق رضا بهفر... از صفحه ۱

طبقاتی را بطور هرچه عینی تر و ملموس تر مشاهده نماید. وی با دیدن واقعیات تلخ زندگی روستائیان منطقه رحیم آباد رامسر که تنها منعکس کننده گوشه‌ای کوچک از فقر و ستم حاکم بر زندگی زحمتکشسان میهنمان بود خشم مبارزاتیش هرچه بیشتر تعمیق یافت و نفرتش علیه مظالم و تعدیات حاکمین وقت صدچندان گشت. رفیق بهفر این یار صدیق کارگران و زحمتکشسان لحظه‌ای از کمک به روستائیان باز نمی‌ایستاد و حتی حقوق ماهیانه اش را جهت تامین احتیاجات شاگردانش و تهیه میز و نیمکت و کتاب برای مدرسه و دارو برای روستائیان خرج مینمود. پایان دوره سپاهی دانش رفیق رضا همزمان بود با آغاز مبارزات قهرمانانه خلقهای مبارزمان که در تداوم خویش به قیام شکوهمند بهمن ۵۷ منجر شد. رفیق رضا فعالانه در این مبارزات شرکت نمود و لحظه‌ای از فعالیت باز نایستاد. او که از محبوبیت خاصی در بین جوانان شهر بابل و بویژه محله "چهارشنبه پیش" این شهر برخوردار بود همواره مشوق جوانان دیگر به مبارزه بود و با کمک آنان راهپیمایی‌ها و تظاهراتی را علیه رژیم وابسته شاه سازمان میداد. رفیق رضا در ادامه فعالیتهای مبارزاتیش در سال ۵۷ بدلیل پخش اعلامیه از سوی مزدوران شاهنشاهی دستگیر شد لیکن پس از چند روز مزدوران به دلیل شرایط آن روز جامعه به ناچار وی را آزاد ساختند. پس از سرنگونی رژیم شاه خائن و بقدرت رسیدن سگان زنجیری جدید، یعنی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، رفیق رضا که عشق عمیقی به توده‌های ستمدیده و اعتقادی راسخ به نیروی لایزال آنان داشت تصمیم گرفت که در تماس نزدیکتری با آنان قرار گیرد. لذا به عنوان معلم به روستایی از توابع بابل رفت. رفیق رضا در دوران زندگی در این روستا با الهام از آموزش های رفیق صمد بهرنگی چنان برخوردهای صمیمانه‌ای از خود نشان داد و چنان مسئولانه با مسائل و مشکلات روستائیان برخورد نمود که به زودی به عنوان یک انقلابی کمونیست در قلب روستائیان جای گرفت. تأثیرات برخوردهای انقلابی و آگاهگرانه رفیق با روستائیان به حدی چشمگیر بود که آنان همواره از وی بعنوان بهترین یار و یاور خود یاد می کردند. سخنان زحمتکشسان روستا خطاب به فرماندار و رئیس آموزش و پرورش استان که آزمون برای بازدید به آنجا رفته بودند نمونه‌ای بارز از این تأثیرات است. در آن دیدار روستائیان از رفیق بهفر چنین یاد کردند: "او یک کمونیست است، ولی چه اشکالی دارد نماز نمیخواند، در همه کارها با ماست و در همه کارها شرکت می کند، هیچکس در عرض این چند سال مثل او نیامده که مرتب در ده باشد و در کارهای کشاورزی و دامداری کمک‌مان کند". تأثیرات برخوردهای صمیمانه و انقلابی رفیق رضا از این حد نیز فراتر رفته و حتی فرماندار یادشده نیز که بنا بر فضای توهمی که در آن دوران نسبت به رژیم تازه به قدرت رسیده وجود داشت از هواداران دولت به شمار می رفت در تناقض قرار گرفته و گفته بود: "اگر کمونیست بده پس این کیه که تمام روستائیان تصدیقش میکنند؟!". رفیق رضا این انقلابی پاکباخته که بنابر مشاهداتش اعتقاد یافته بود رژیم جمهوری اسلامی همانند رژیم شاه وابسته به امپریالیسم است و میبایست علیه آن به مبارزه برخاست نسبت به سیاستهای مماشات طلبانه اپورتونیستهای لانه کرده در سازمان چریکهای فدایی خلق معترض بود و سیاستهای آنها را در تقابل با آرمانهای انقلابی چریکهای فدایی و مطالبات پاسخ داده نشده کارگران و توده های ستمدیده می دید. به همین دلیل هم به دنبال مرزبندی چریکهای فدایی خلق با اپورتونیستهای لانه کرده در "سازمان چریکهای فدایی خلق ایران" دوره بعد از قیام بهمن، از زمره اولین کمونیستهای بود که به شکل "چریکهای فدایی خلق ایران" پیوست تا تمامی هم خویش را صرف پیشبرد خط مشی انقلابی بنیانگذاران کبیر سازمان یعنی رفقا امیر پرویز پویان، مسعود احمد زاده و عباس مفتاحی قرار دهد. رفیق رضا که همواره آرزو داشت در مبارزه با دشمن طبقاتی کارگران و زحمتکشسان نقش هرچه مؤثرتری داشته باشد به دنبال یورش رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به خلق دلاور کرد، از سوی سازمان به کردستان اعزام شد و به این ترتیب امکان یافت در بطن جنبش خلق کرد با مبارزه مسلحانه توده ای ای که در کردستان جاری بود آشنا و فعالانه در آن درگیر شود. چریک فدایی خلق، رفیق رضا بهفر پس از طی دوره آموزشهای سیاسی - نظامی در پایگاه آموزشی سازمان در کردستان، به عنوان رزمنده‌ای دلیر به مصاف با دشمنان خلق شتافت و قهرمانانه در درگیریهای انقلاب بر علیه ضدانقلاب که اینک با سیمایی دیگر وارد میدان شده بود شرکت نمود. سرانجام رفیق رضا بهفر در ۱۸ شهریور سال ۱۳۵۹ در مقابله با ستون عظیمی از مزدوران جمهوری اسلامی که در نزدیکی سردشت به مناطق آزاد و تحت کنترل رزمندگان یورش آورده بودند در جریان یکی از خونین‌ترین و حماسی‌ترین درگیریهای پیشمرگان خلق کرد پس از روزها نبرد و دلاوریهای بسیاری که از خود نشان داده بود، بر اثر اصابت خمپاره به سنگرش به شهادت رسید. شهادت رفیق رضا بهفر این پیشمرگه قهرمان در آخرین نبرد دلاورانه اش در کردستان انقلابی نشاندهنده تلاش بی دریغ انقلابیون کمونیست چریکهای فدایی خلق جهت پیشبرد جنبش عادلانه خلق کرد بوده و از عزم راسخ و ایمان خلل ناپذیر آنان به حقانیت مبارزه توده ها برای نابودی رژیمهای وابسته‌ای همچون جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش حکایت می کند. یاد چریک فدایی خلق رفیق شهید رضا بهفر همواره در قلب کارگران و زحمتکشسان و خلقهای مبارزمان جاودانه خواهد ماند و خونش تعهد هم‌زمانش را در تداوم راهش صدچندان خواهد کرد.

یاد رفیق شهید رضا بهفر گرامی و راهش پر رهرو باد!

احضار ۴ کارگر معترض به دلیل فعالیت های صنفی به دادسرا پس از شکایت کارفرما!



روز چهارشنبه ۳۰ فروردین ماه، تعدادی از کارگران کارخانه سیمان کارون گفتند: دلیل احضار همکاران آنها سلسله تجمعات صنفی ای بوده است که از بهمن و اسفند ماه سال ۹۵ در این واحد تولیدی بر پا شده بود. ۴ کارگر احضار شده از سوی کارفرما، به انجام اغتشاش و اخلال در نظم و جلوگیری از اجرای پروژه فاز دوم کارخانه متهم شده‌اند و قرار است صبح روز چهارم اردیبهشت ماه در محل دادسرای مسجد سلیمان حاضر شوند. کارگران همچنین دلیل اعتراضات ۵۰ روزه خود در آن ماه ها را پرداخت نشدن دست کم ۴ماه حقوق معوقه اعلام کرده و گفتند که هیچ کدام از کارگرانی که اکنون کارفرما از آنها شکایت کرده است در شکل گیری و استمرار این اقدام صنفی نقش خاصی نداشته‌اند.

جان باختن ۱۴ پرستار بر اثر فشار کاری در حین کار، در سال ۹۵!



رئیس سازمان نظام پرستاری کشور روز شنبه ۹ اردیبهشت ماه در گفتگو با خبرگزاری آنا، عنوان کرد: به دلیل کمبود نیروی پرستاری: سایر پرستاران شاغل در مراکز درمانی متحمل فشار روحی، کاری، جسمی و ... فراوانی می‌شوند. وی در ادامه اظهار داشت: در سال ۹۵، تعداد ۱۴ نفر از پرستاران کشور که اغلب در گروه سنی ۲۵ تا ۴۵ سال بودند بر اثر فشار کاری زیاد، جان خود را از دست دادند. کمبود پرستار در تمام بخش‌های بیمارستانی مشهود است اما در بخش اورژانس، جراحی و مراقبت‌های ویژه کمبود پرستار بیشتر احساس می‌شود که یکی از دلایل این امر پایین بودن تمایل پرستاران برای اشغال در این بخش‌هاست زیرا پرستاران در این بخش‌ها، ضمن تحمل فشار کاری بسیار، از درآمد اندکی برخوردار هستند.

تجمع اعتراضی گروهی از کارگران فصلی بخش کشاورزی مجتمع هفت تپه!

صبح روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه، گروهی از کارگران فصلی بخش کشاورزی مجتمع کشت و صنعت هفت تپه در اعتراض به بکارگیری نیروی کار غیر بومی از سوی کارفرما در محل ورودی درب کارخانه مقابل ساختمان اداری تجمع کردند. بر پایه گزارش کارگران، اردیبهشت ماه هر سال همزمان با پایان بهره برداری نیشکر، فعالیت کارگران فصلی بخش کشاورزی که تعدادشان به حدود ۵۰۰ نفر می رسد خاتمه و در نتیجه همه آنها بیکار می



شوند. بر اساس این گزارش، سال جاری فعالیت بخش کشاورزی با پایان بهره برداری نیشکر خاتمه نیافته است اما براساس تصمیم کارفرما کارگران مذکور بیکار و به جای آنها تعدادی از افراد غیر بومی مشغول کار شده‌اند. کارگران معترض می گویند: اگر کارفرما به نیروی کار جدید نیاز دارد چرا از کارگران فصلی که سالهاست در این واحد مشغول کارند استفاده نمی کند.

اعتراض کارگران پیمانکاری به تبعیض در پروژه های نفتی!



همزمان با بازدید وزیر نفت از فازهای پارس جنوبی، کارگران پیمانکاری نسبت به تبعیض در وزارت نفت اعتراض کردند و گفتند: ما با به پای نیروهای رسمی کار میکنیم ولی حقوق و مزایای ما خیلی کمتر از حقوق آنهاست. در این خبر که روز یکشنبه ۲۷ فروردین ماه منعکس شد از قول کارگران آمده است که: چرا باید تمامی سال برای نیروهای رسمی عید باشد ولی برای ما سالی یک بار، لااقل پادشاهی که به نیروهای نفتی تعلق میگیرد به نیروهای پیمانکاری و قرارداد موقت هم بدهند نه اینکه فقط یک سوم آن، یا در بعضی جاها یک چهارم را برای این قشر در نظر بگیرند. سهم ما از نفت، فقط زحمت است و به چشم مسئولان نمی آیم .

تجمع اعتراضی ۴۲۰ کارگر شرکت حمل و نقل خلیج فارس!

روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه، برای دومین روز متوالی نزدیک به ۴۲۰ کارگر شرکت حمل و نقل خلیج فارس، در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود از سوی کارفرما در محوطه این شرکت واقع در میدان نماز شهر اسلامشهر تجمع کردند. در این گزارش به نقل از کارگران آمده است که: مشکلات این شرکت از زمان مدیریت جدید آغاز شده است. کارفرمای بخش خصوصی این واحد خدماتی که از اردیبهشت ماه سال ۹۵ مسئولیت این شرکت را بر عهده گرفته است حق اضافه کاری، کارانه، بهره بری و بیمه تکمیلی حدود ۱۲۰۰ نفر از کارگران را پرداخت نمی کند. بر اساس این گزارش، همزمان با کارگران تعدادی از راننده های تجاری شرکت حمل و نقل خلیج فارس به نمایندگی از ۶۲۰ راننده نیز بابت ۴۲ میلیارد تومان از مطالبات خود، خارج از محوطه مقابل درب ورودی شرکت دست به اعتراض زده اند.

شماری از بازنشستگان فولاد کشور مقابل صندوق بازنشستگی فولاد تجمع کردند!

روز یکشنبه ۳ اردیبهشت ماه، شماری از بازنشستگان صنعت فولاد کشور مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد واقع در خیابان خالد استانبولی تجمع کردند. تجمع کنندگان خواستار اجرای همسان سازی بر اساس تبصره ۵ ماده ۱۰۹ آیین نامه فولاد، دریافت مطالبات معوقه، تضمین اجرای تعهدات درمانی مطابق با آیین نامه فولاد و افزایش حقوق سال ۹۶ خود از فروردین ماه شدند.

تجمع کارگران قند ممسنی!

جمعی از کارگرانی که پیش از این در کارخانه قند ممسنی مشغول به کار بودند، در نوزدهمین روز از سال جاری در اعتراض به تعطیلی کارخانه و تاخیر در پرداخت دستمزد در ۳۶ ماه گذشته مقابل درب ورودی این کارخانه تجمع کردند. کارگران معترض می گویند: کارفرما از مرداد ماه سال ۹۵ کارخانه قند ممسنی را که در شهرستان رستم استان فارس واقع شده به بهانه شرایط بد اقتصادی، تعطیل اعلام کرده و همه کارگران آن بیکار شده اند. به همین دلیل آنها در این واحد صنعتی مدام درحال اعتراض هستند. کارگران با بیان اینکه تجمع مشابهی در بهمن ماه سال ۹۵، به خاطر بی توجهی کارفرما به مطالباتشان مقابل درب کارخانه انجام داده بودند، افزودند: این تجمعات تا به امروز نتیجه ای در بر نداشته و ما کارگران همچنان بلاتکلیف هستیم. مشکلات کارخانه قند ممسنی از چندین سال پیش زمانی آغاز شده است که این واحد از بخش دولتی به خصوصی واگذار شد و کارفرما نتوانست به تعهداتش در قبال کارخانه و کارگران عمل کند و در نهایت این واحد تعطیل اعلام شد.

تجمع کارگران کارخانه روغن نباتی قو در مقابل وزارت کار!



صبح روز چهارشنبه ۱۶ فروردین ماه، نزدیک به ۱۰۰ نفر از کارگران کارخانه روغن نباتی قو با تجمع در مقابل ساختمان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیگیر مطالبات مزدی خود شدند. این کارگران که روزهای دوشنبه ۱۴ و سه شنبه ۱۵ فروردین ماه نیز در محوطه کارخانه تجمع کرده بودند می گویند: در کل نزدیک به ۲۰۰ کارگر هستیم که هنوز بابت مزایای مزدی بهمین، اسفند و بخشی از عیدی سال ۹۵ طلبکاریم. کارگران حاضر در تجمع روز چهارشنبه با خود برهایی همراه داشتند که بر روی آن نسبت به عواقب تعطیل شدن این واحد صنعتی هشدار داده بودند. پیش از این مدیریت کارخانه روغن نباتی قو در مقام کارفرما از توقف فعالیت این واحد صنعتی تا خاتمه تیرماه خبر داده بود و همین ماجرا باعث تشدید نگرانی کارگران شده است. در ادامه این اعتراضات روز شنبه ۱۹ فروردین ماه، بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران کارخانه روغن نباتی قو برای پنجمین روز متوالی از ساعت ۸ صبح در محوطه این کارخانه تجمع کردند. این کارگران نسبت به عدم پرداخت دستمزد ماه بهمن و اسفند و همچنین نپرداختن پاداش و بخشی از عیدی ۹۵ و عدم واریز سه ماه حق بیمه (دی، بهمن و اسفند) و تعطیلی موقت این کارخانه تا تیرماه ۹۶ معترض هستند. تعدادی از کارگران این کارخانه در این رابطه شکایتی به اداره کار جنوب غرب تهران ارائه کردند و با توجه به قول مساعد مسئولان وزارت کار، انتظار دارند که هر چه سریعتر مشکلاتشان بر طرف شود. اما با توجه به بی توجهی و عدم پاسخگویی کارفرما روز دوشنبه ۲۰ فروردین ماه، بار دیگر ۱۵۰ نفر از کارگران کارخانه روغن نباتی قو در اعتراض به بلاتکلیفی، عدم پرداخت مطالبات مزدی و مشکلات بیمه ای در محوطه کارخانه روغن نباتی قو تجمع کرده اند. کارگران می گویند، مدیریت کارخانه روغن نباتی قو پیشتر بر اساس مصوبه کمیسیون کارگری فرمانداری تعهد داده بود که مطالبات مزدی دی، بهمن، عیدی و پاداش آنان را پیش از آغاز سال جدید پرداخت کند اما تنها مطالبات دی ماه را واریز کرده است. در تجمع ۲۰ فروردین ماه تعدادی از رسانه های تصویری هم حضور داشتند و کارگران می گویند که مدیریت کارخانه برای اینکه تعطیلی موقت کارخانه تا اواخر تیرماه را توجیه کند از آنها خواسته که با دوربین به کارخانه بیایند. به گزارش روز چهارشنبه ۳۰ فروردین ماه، کارگران روغن نباتی قو می گویند مالک کارخانه روغن نباتی پارس قو

تجمع رانندگان خدمات شهرداری آبادان در اعتراض به معوقات مزدی خود!

روز یکشنبه ۲۰ فروردین ماه، ۲۵ نفر از رانندگان خدمات شهرداری آبادان در اعتراض به آنچه که پرداخت نشدن حقوق معوقه خود عنوان شده همراه با وسیله نقلیه خود مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. رانندگان معترض می گویند، از یک سال گذشته تاکنون شهرداری بابت کارکرد ماشین آلات از قبیل لودر، بولدزر و کامیون، هیچ پرداختی به آنان نداشته است. بر اساس این گزارش، شهرداری طی نامه‌ای به بانک عامل درخواست باطل کردن چک‌هایی را کرده که در وجه رانندگان صادر و به آنان تحویل داده شده بود. گزارش همچنین در خاتمه این گزارش آمده که تجمع‌کنندگان پس از گفتگو با معاون سیاسی و اجتماعی فرمانداری ویژه آبادان و دریافت نامه‌ای خطاب به شهرداری مرکزی آبادان برای رفع مشکل، به تجمع صنفی خود پایان دادند.

اعتراض کارگران پروژه‌های و پیمانی نفت و پتروشیمی نسبت به تعطیل نبودن کار در روز جهانی کارگر!



به گزارش روز شنبه ۹ اردیبهشت ماه، جمعی از کارگران پروژه‌های و پیمانی که در بخش‌های نفت و پتروشیمی مشغول به کار هستند، از تعطیل نبودن و اجبار به کار در روز جهانی کارگر انتقاد کردند.

کارگران می‌گویند: علیرغم تصریح ماده ۶۳ قانون کار، مجبوریم یازده اردیبهشت سر کار برویم و مانند روزهای عادی، هشت ساعت کار کنیم. کارگران پروژه‌ای می‌گویند نه قانون تعطیلی رعایت می‌شود و نه از اضافه پرداخت خبری هست. حق ما ضایع می‌شود و کارفرمایان تعطیلی اول ماه مه را به رسمیت نمی‌شناسند. گفتنی است براساس ماده ۶۳ قانون کار، یازدهم اردیبهشت (برابر با روز جهانی کارگر) تعطیل رسمی محسوب می‌شود و کارفرمایان نباید کارگران را ملزم به کار کنند، از سوی دیگر مطابق ماده ۲۲ مقررات مربوط به اشتغال نیروی انسانی در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی از این روز به عنوان تعطیلی رسمی کارگران مشمول یاد شده است. از طرف دیگر در ارتباط با خدمات عمومی و کارگاه‌هایی که تعطیل‌پذیر نیستند، ماده ۶۲ قانون کار کارفرمایان را ملزم کرده است که برای کار در روزهای تعطیل، ۴۰ درصد اضافه بر مزد پرداخت کنند.

تجمع کارگران کارخانه صنایع شیر پگاه تهران، در مقابل ساختمان قوه قضائیه!

روز سه شنبه ۲۹ فروردین ماه، گروهی از کارگران کارخانه صنایع شیر پگاه تهران با تجمع مقابل ساختمان قوه قضائیه از مسئولان قضایی کشور خواستند برای رفع تصرف غیر قانونی زمینهای کارگران این کارخانه در منطقه تهران پارس اقدام کنند. بر اساس این گزارش، از حدود ۲۰ سال پیش صنایع شیر پگاه برای خانه دار کردن بیش از ۷۰۰ کارگر این واحد صنعتی، قطعه زمینی به وسعت حدود ۱۵۰ هزار متر را در محدوده شهرک حکیمیه تهران پارس تهیه و واگذار می‌کند. این زمین‌ها بعداً توسط یکی از نهادها تصرف شده و کارگران پگاه با وجود گرفتن حکم تخلیه از دستگاه قضائیه، هنوز نتوانسته‌اند به زمینهای خود برسند.

اخراجی‌های کارخانه تولی پرس و بسته بندی البرز، نمی‌توانند مقرری بیکاری دریافت کنند!

به گزارش روز چهارشنبه ۶ اردیبهشت ماه، حدود ۳۵ نفر از کارگران رسمی و قرار دادی دو کارخانه تولی پرس و بسته بندی البرز که در هفته‌های گذشته تعدیل شده بودند، به دلیل مخدوش بودن سوابق بیمه‌ای خود از حق دریافت مقرری بیمه بیکاری بازماندند. کارگران می‌گویند، کارگران اخراج شده زمانی که برای دریافت مقرری بیمه بیکاری به سازمان تامین اجتماعی مراجعه کردند متوجه شدند که به دلیل آنچه که سازمان تامین اجتماعی آنرا مخدوش بودن سوابق بیمه عنوان کرده است، واجد شرایط دریافت مقرری بیمه بیکاری نیستند. یکی از کارگران در تشریح موقعیت خود و دیگر همکاران بیکار شده‌اش گفت: زمانی که بعد از اخراج برای دریافت مقرری بیمه بیکاری به اداره تامین اجتماعی شهر صنعتی البرز مراجعه کردیم به ما گفته شد که چهار ماه از حق بیمه سال ۹۵ آنان به تامین اجتماعی پرداخت نشده است و بنابراین با وجود پرداخت نشدن حق بیمه هیچ مبلغی بابت مقرری بیمه بیکاری به ما تعلق نمی‌گیرد.

قرارداد کاری فقط برای ۶ ماهه دوم سال!

به گزارشی به تاریخ چهارشنبه ۲۳ فروردین ماه، مدیریت شرکت پلی‌اکریل اصفهان به کارگران این واحد تولیدی گفته است که قرار است از شهریورماه تا پایان سال با آنها قرارداد منعقد کند و برای شش ماهه اول سال، کارگران قرار است بیمه بیکاری دریافت کنند. کارگران پلی‌اکریل که از مرداد ماه سال ۹۵ مطالبات مزدی خود را دریافت نکرده‌اند می‌گویند، عقد قرارداد برای نیمه دوم سال کمترین خواسته‌ای است که مقامات می‌توانند برآورده کنند علاوه بر این، بایستی مطالبات مزدی ما را قبل از معرفی به بیمه بیکاری بپردازند.

درخواست دریافت پروانه برای ساخت و ساز در مکان فعلی کارخانه را به شهرداری ارسال کرده است. این در حالی است که پیشتر اعلام شده که این کارخانه موقتاً تا تیرماه تعطیل شده است. روز سه شنبه ۲۹ فروردین ماه در خبرها به نقل از شهردار منطقه ۱۶ آمده بود که قرار است براساس درخواست مالک زمین‌های کارخانه روغن نباتی قو، موضوع صدور مجوز ساخت و ساز در این محدوده مورد بررسی قرار بگیرد و با روشن شدن وضعیت زمین‌های کارخانه روغن نباتی قو، تکلیف ۳۰۰ کارگر باقیمانده در این کارخانه نیز به زودی مشخص می‌شود. گزارش در خاتمه می‌افزاید: کارگران روغن نباتی قو از ابتدای سال ۹۶ چندین تجمع صنفی در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی بهممن و اسفند، پاداش و بخشی از عیدی خود برگزار کرده بودند. کارگران این کارخانه در تجمعات خود بارها نسبت به فروپاشی ۳۰۰ خانوار کارگری هشدار داده‌اند.

چهارمین روز تجمع کارگران شاغل در پروژه پالایشگاه گاز "بیدبلند" ۲ بهمان!

جمعی از کارگران پروژه گاز "بیدبلند" ۲ در استان خوزستان، از روز پنجشنبه ۱۷ فروردین ماه تا روز یکشنبه ۲۰ فروردین ماه، تجمع ۴ روزه‌ای را در اعتراض به آنچه بالاتکلیفی در وضعیت شغلی در نتیجه تعطیلی محل کار خود می‌خوانند در محوطه ورودی این پالایشگاه که در شهرستان بهبهان واقع شده است، بر پا داشته‌اند. بر اساس این گزارش، واکنش معترضان اهالی و برخی از کارگران قرار دادی این پروژه نسبت به روند استخدام پالایشگاه "بید بلند" ۲ بهبهان، باعث شده تا مدیران این پروژه پالایشگاهی ناچاراً تصمیم به تعطیلی آن بگیرند. در این حال کارگران شاغل در این پروژه که به تعطیلی‌های پی در پی این پروژه عمرانی انتقاد دارند از مسئولین می‌خواهند برای همیشه به این مشکلاتی که صدمات غیر قابل جبرانی به این پروژه عمرانی (که یکی از بزرگترین پروژه گازی کشور محسوب می‌شود) وارد کرده خاتمه دهند.

۳ ماه حق بیمه پرداخت نشده کارگران پیمانکاری شرکت ماشین سازی اراک!

به گزارش روز جمعه یکم اردیبهشت ماه، کارگران پیمانکاری شرکت ماشین سازی اراک دارای ۳ ماه معوقات بیمه‌ای هستند. یکی از کارگران پیمانکاری این شرکت می‌گوید: شماری از کارگران پیمانکاری که جهت استفاده از تسهیلات بیمه‌ای به مراکز درمانی مراجعه کرده بودند از پرداخت نشدن حق بیمه خود مطلع شدند. آنان این مسئله را با کارفرمای خود مطرح ساختند اما کارفرما در پاسخ اظهار کرد: که به دلیل پرداخت نشدن صورتحساب توسط کارفرمای اصلی و نداشتن نقدینگی پرداخت حق بیمه به تعویق افتاده است.

بیانیه کارگران پروژه های نفت و گاز پارس جنوبی در باره مطالباتشان!



روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه، جمعی از کارگران پروژه های نفت و گاز پارس جنوبی به مناسبت روز جهانی کارگر بیانیه صادر کردند. در بخشی از این بیانیه آمده است: سالهاست که می‌گوییم و می‌نویسیم و اعتراض می‌کنیم که با حقوق یک میلیون و دویست هزار تومان نمی‌شود زندگی کرد. در سرما و گرما چرخهای اقتصادی این مملکت را با تلاش بی‌وقفه و تولید خود به حرکت در می‌آوریم ولی در نهایت دستها و سفره خانواده مان خالی است و نزد خانواده و فرزندان خود شرمند هستیم و تامین حداقل نیازهای خانواده بریمان غیرممکن است. آنهم در شرایطی که روی منابعی از نفت گاز و سرمایه ملی نشستیم و آنرا استخراج و صادر میکنیم. پس اینهمه سرمایه های کشور به کجا می‌رود و چرا ما کارگران باید در این شرایط مصیبت بار زندگی دست و پا بزنییم و هیچ آینده‌یی برای خود و فرزندانمان نباشد. در پایان این بیانیه، کارگران خواسته‌های کلیدی خود از جمله افزایش دستمزد و توقف خصوصی سازی‌ها و واگذاری‌ها به شرکت های پیمانکاری را بیان کردند.

اخراج ۷۰ نفر از کارگران روز مزدی مجتمع کشت و صنعت هفت تپه!

از صبح روز چهارشنبه ۶ اردیبهشت ماه، ۷۰ نفر از کارگران روز مزدی مجتمع کشت و صنعت هفت تپه، پیش از آنکه اعتبار قراردادهای کاری آنها تمام شود اخراج شدند. یکی از کارگران می‌گوید، زمان خاتمه قرارداد این کارگران پایان ماه جاری است اما از صبح امروز چهارشنبه به این کارگران اجازه ورود به محل کارشان داده نشده است. بر اساس این گزارش، اخراج کارگران یاد شده در حالی صورت گرفته است که تمامی کارگران روز مزد از جمله نیروهای باقیمانده بابت حقوق بهمین و اسفند سال ۹۵ و فروردین ماه سال جاری به همراه مزایای حق بن مربوط به سال‌های گذشته طلبکارند.

کارگران بازنشسته کارخانه رنگین نخ برای چندمین بار تجمع کردند!

روز دوشنبه ۴ اردیبهشت ماه، نزدیک به ۴۹ نفر از کارگران بازنشسته کارخانه رنگین نخ سمنان در اعتراض به آنچه بالاتکلیفی چندین ساله در دریافت مطالبات سنواری و مزدی عنوان می‌شود، برای چندمین بار مقابل ساختمان فرمانداری سمنان تجمع کردند. معترضین می‌گویند اما تاکنون نتیجه‌ای حاصل نشده است.

کارگران فضای سبز ناحیه ۴ شهرداری اهواز، چندین ماه مطالبات مزدی و مزایای خود را دریافت نکرده اند!



روز چهارشنبه ۶ اردیبهشت ماه، تعدادی از کارگران شهرداری اهواز ب خبر دادند که چندین ماه مطالبات مزدی و مزایای خود را دریافت نکرده اند. بر اساس این خبر بیش از ۱۰۰ کارگر فضای سبز ناحیه ۴ شهرداری اهواز دستمزد اسفند ۹۵، فروردین ۹۶ و پاداش و عیدی سال ۹۵ خود را دریافت نکرده‌اند. کارگران با اشاره به برگزاری چند نوبت تجمع صنفی در سال ۹۵ تاکید کردند که پیمانکار این مجموعه نسبت به پرداخت مطالبات آنها بی‌توجهی می‌کند. علاوه بر کارگران فضای سبز پیمانکار ناحیه ۴ شهرداری اهواز مطالبات کارگران خدماتی این ناحیه را هم پرداخت نکرده است و از آنها خواسته شکایت خود را از اداره کار اهواز پس بگیرند تا به مطالبات خود برسند.

جان باختن یک کارگر ساختمانی حین گودبرداری بر اثر ریزش آوار!

روز چهارشنبه ۶ اردیبهشت ماه، یک کارگر حدوداً ۶۵ ساله حین گودبرداری در شهرک ارم آذربایجان شرقی، دچار حادثه ریزش آوار می‌شود. کارگر مصدوم پس از حضور عوامل امداد و نجات به بیمارستان علی نصب تبریز انتقال پیدا می‌کند اما به دلیل شدت جراحات وارده علیرغم تلاش کادر درمانی جان خود را از دست می‌دهد.

تعدادی از کارگران یک کشتارگاه در زاهدان به تب کریمه کنگو مبتلا شده‌اند!

بر اساس گزارش روز جمعه ۸ اردیبهشت ماه، معاون مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت از ابتلای تعدادی از کارگران یکی از کشتارگاه های زاهدان در استان سیستان و بلوچستان به تب کریمه کنگو خبر داد و گفت: چند روز اخیر تعدادی از کارگران یکی از کشتارگاه‌های زاهدان با تب مشکوک که احتمال ابتلا به تب کریمه کنگو را می‌داد به بیمارستان بوعلی زاهدان مراجعه کردند. وی با اشاره به اینکه برای جلوگیری از ابتلا به این بیماری ابتدا دام را بعد از کشتار باید به مدت ۲۴ ساعت در سیستم‌هایی با دمای معمولی نگه‌داری و سپس بسته بندی کرد، افزود؛ متأسفانه به سبب اختلال و خرابی این سیستم پیش سرد، کارگران کشتارگاه بلافاصله اقدام به بسته بندی لاشه های آلوده کردند که متأسفانه به این بیماری آلوده شدند.

تجمع کارگران قراردادی کارخانه

پارسیلون خرم آباد، در اعتراض به

وضعیت شغلی شان!

روز شنبه ۲۶ فروردین ماه، شماری از کارگران قراردادی کارخانه نساجی پارسیلون خرم آباد در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت استخدامی و مطالبات مزدی خود مقابل ساختمان استانداری لرستان تجمع کردند. یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: علت تجمع کارگران قراردادی، مطالبات مزدی ۵ ماهه و نامشخص بودن وضعیت استخدامی آنان است. بیش از یک سال است که کارخانه پارسیلون تعطیل اعلام شده و کارگران قراردادی که حین تعطیلی کارخانه بیکار شده اند وضعیت شغلی مشخصی ندارند. سابقه کار تعدادی از کارگران قرار دادی به ۱۵ سال هم می‌رسد و در طول این سالها همیشه این دسته از کارگران نگران از دست دادن شغل خود بوده‌اند. گزارش می‌افزاید: کارگران قراردادی پارسیلون اجتماع خود را در حالی بی نتیجه خاتمه دادند که پیش از این همکاران رسمی آنها توانسته بودند تا با برپایی اجتماعات صنفی مکرر در مقابل این نهاد دولتی به مطالبات صنفی خود برسند.

تجمع ۲۰۰ کارگر بازنشسته کارخانه

مخابرات راه دور شیراز!

روز دوشنبه ۲۱ فروردین ماه، حدود ۲۰۰ کارگر بازنشسته کارخانه مخابرات راه دور شیراز (I.T.I) در اعتراض به ادامه تاخیر در دریافت باقیمانده مطالبات مزدی و سنوات بازنشستگی خود مقابل کارخانه دست به تجمع زدند. تعدادی از معترضین می‌گویند: بیش از ۱۲۰۰ کارگر بازنشسته کارخانه مخابرات راه دور شیراز هستیم که از سال ۱۳۸۵ به تدریج بازنشسته شده‌ایم اما با این وجود تاکنون مطالبات مزدی و سنوات بازنشستگی خود را دریافت نکرده‌ایم. روز شنبه ۲۶ فروردین ماه، حدود ۱۰۰ نفر از کارگران بازنشسته کارخانه مخابرات راه دور شیراز بار دیگر در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی و سنوات بازنشستگی و اینبار مقابل استانداری استان فارس تجمع کردند. کارگران بازنشسته معترض در تجمع روز شنبه می‌گویند: مدیران این کارخانه صنعتی تولید کننده محصولات مخابراتی، پرداخت مطالبات آنها را به دست فراموشی سپرده‌اند که این امر با توجه به اینکه از بازنشستگی اکثر آنها ۱۰ سال می‌گذرد تعجب برانگیز است.

تجمع کارگران بازنشسته کارخانه رنگین نخ در اعتراض به معوقات مزدی!



صبح روز یکشنبه ۲۷ فروردین ماه، شماری از کارگران بازنشسته کارخانه رنگین نخ سمنان در اعتراض به آنچه بلا تکلیفی چندین ساله در دریافت مطالبات سنواتی و مزدی عنوان می‌شود، مقابل ساختمان فرمانداری و استانداری سمنان تجمع کردند. کارگران می‌گویند، نزدیک به ۴۹ نفر از کارگران بازنشسته هستیم که هنوز بابت معوقات مزدی دوران اشتغال و نیز سنوات پایان خدمت طلبکاریم.

در ادامه این گزارش آمده که مراجعه این کارگران از زمان بازنشستگی آنها در شهریور ماه سال ۹۳ تاکنون بی‌نتیجه بوده است و برای همین امروز یکشنبه گروهی از آنها تصمیم گرفته‌اند تا برای پیگیری مطالباتشان مقابل ساختمان‌های فرمانداری و استانداری سمنان تجمع کنند. کارگران بازنشسته رنگین نخ علیرغم دریافت نکردن سنوات، حدود ۶ ماه، مطالبات معوقه مزدی دارند که مربوط به زمان اشتغالشان می‌شود. معترضان بازنشسته، پیش از بازنشستگی به مدت یک سال از سوی کارفرما اخراج شده بودند. کارفرما در زمان قطع همکاری با آنها مرتباً وعده پرداخت مطالباتشان را می‌داد اما بعداً به بهانه‌های مختلف از جمله مشکلات مالی از پرداخت مطالبات کارگران طفره رفت.

روز دوشنبه ۲۸ فروردین ماه، کارگران مزبور برای دومین روز متوالی، این بار در مقابل ساختمان فرمانداری این شهر در اعتراض به بی‌توجهی به خواسته‌های صنفیشان تجمع کرده و از مسئولان فرمانداری سمنان خواستند تا به مشکلات آنان رسیدگی کنند. بر اساس این گزارش در تجمع روز دوشنبه فرماندار سمنان و معاون سیاسی این نهاد دولتی در جمع کارگران حاضر شده و پیگیر مطالبات آنان با کارفرمای کارخانه شده است. روز چهارشنبه ۳۰ فروردین ماه، یکی از کارگران بازنشسته این کارخانه در این روز از سومین روز تجمع کارگران معترض خبر داد و گفت: از آنجا که مسئولان مربوطه تا این لحظه پاسخ قانع‌کننده‌ای به خواسته‌های صنفی کارگران بازنشسته کارخانه رنگین نخ سمنان نداده‌اند، اعتراضات صنفی کارگران بازنشسته همچنان ادامه دارد. با وجود آنکه سه روز در هفته جاری ما با برگزاری تجمعات اعتراضی خواستار دریافت حقوق معوقه و پرداخت سنوات بازنشستگی شدیم، هنوز کارفرما و مدیران کارخانه اهمیتی به درخواست ما نداده و اقدام به پرداخت مطالباتمان نکردند.

در اعتراض به اخراج کارگران معدن "انگوران"؛ جمعی از آنان تجمع کردند!

روز دوشنبه ۲۱ فروردین ماه، جمعی از کارگران معدن سرب و روی "انگوران" واقع در شهرستان "ماه نشان" استان زنجان، در اعتراض به اخراج تدریجی تعدادی از کارگران این معدن، تجمع اعتراضی بر پا داشتند. این معدن در گذشته بیش از ۵۰۰ کارگر داشت که از تعداد آنها به مرور کاسته شده است. بر اساس این گزارش، کارگران معدن سرب و روی "انگوران" زنجان نسبت به آنچه که در اولویت قرارگرفتن کارگران بومی در برنامه‌های تعدیلی مدیریت معدن نامیده می‌شود، اعتراض دارند. معترضان که بیشتر از اهالی مناطق مسکونی اطراف معدن از جمله دو روستای "قلعه جوق" و "شیخ لر" هستند، نسبت به تصمیمی که کارفرمای این واحد معدنی در خصوص تعدیل نیروی انسانی اتخاذ کرده است، اعتراض دارند. کارگران معترض می‌گویند: در شرایطی که فعالیت‌های معدن مشکلاتی را برای محیط زیست اهالی دو روستای "قلعه جوق" و "شیخ لر" ایجاد کرده است، منصفانه نیست که کارگران بومی شاغل در این معدن در صدر برنامه‌های تعدیلی قرار بگیرند. به دنبال اعتراضات کارگران این معدن نماینده شهرستانهای "ماه‌نشان" و "ایجرود" استان زنجان، در مجلس شورای اسلامی درخواست تعدیل شماری از کارگران معدن سرب و روی "انگوران" و به کارگیری نیروهای غیر بومی در این معدن گفت: موضوع تعدیل مربوط به تغییر پیمانکار معدن بوده است. در روزهای گذشته تعدادی از کارگران بومی معدن سرب و روی "انگوران" تعدیل شده بودند که با پیگیری‌های انجام شده به تدریج در حال بازگشتن بر سر کار خود هستند. با مذاکراتی که با مسئولان ذیربط استان صورت گرفته تعدادی از این کارگران بر سر کار خود بازگشتند و مقرر شده است تا به زودی کار سابق باقیمانده کارگران نیز به آنها اعاده شود. امیدواریم که تمامی کارگران معدن "انگوران" بر سر کار خود بازگردند.

تجمع کارگران کارخانه مدیران خودرو در اعتراض به افزایش ساعت کار اجباری!

روز یکشنبه ۲۰ فروردین ماه، گروهی از کارگران شرکت خودروسازی مدیران خودرو در اعتراض به طولانی بودن ساعات کاری خود مقابل مسجد جامع بم تجمع کردند تا مشکلاتشان را با امام جمعه این شهرستان مطرح کنند. به گفته یکی از کارگران معترض، کارفرما به اجبار آنان را در روزهای تعطیل برای اضافه کاری نگه می‌دارد و تداوم این موضوع مشکلات زیادی را برای آنان بوجود آورده است. جدا از اینکه روزی ۱۲ ساعت کار انجام می‌دهیم از وضعیت محیط کار خود نیز رضایت نداریم چرا که این واحد صنعتی فاقد سیستم گرمایشی و سرمایشی و همچنین دستگاه‌های تهویه است.

اخراج کارگران زن به بهانه جایگزینی آن با نیروی "آقا"!



به گزارش ایلنا پیرو انتشار خبری در تاریخ روز دوشنبه ۱۴ فروردین ماه سال جاری با عنوان " ۱۵ کارگر تانیا شفق پرند به دلیل عدم نیاز اخراج شدند"، مدیر عامل این واحد تولیدی در شهرستان رباط کریم استان تهران با ارسال جوابیه‌ای، خبر مذکور را تکذیب کرد. در متن کامل جوابیه مدیر عامل شرکت "تانیا شفق پرند" آمده است: احتراماً با توجه به اتمام قرارداد تعداد ۴ نفر از پرسنل "خانم" و تصمیم مدیریت به جایگزینی نیروی "آقا" قرارداد مجدد با افراد مذکور تمدید نگردیده است. مراتب جهت اطلاع و درج تکذیبیه به حضورتان ایفاء می‌گردد.

تجمع ۱۰۰ نفر از بازنشستگان ذوب آهن اصفهان مقابل صندوق بازنشستگی!

صبح روز سه شنبه ۲۹ فروردین ماه، بیش از ۱۰۰ نفر از بازنشستگان ذوب آهن اصفهان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد در خیابان وزرا تجمع کردند. این بازنشسته‌ها که خواستار رفع مشکلات درمانی خود می‌باشند، می‌گویند: از دو سال پیش که صندوق بازنشستگی فولاد به وزارت رفاه محول شده است، تمدید دفترچه‌های درمانی آنان با مشکل روبرو شده و در عمل صندوق بازنشستگی زیر بار پرداخت هزینه‌های درمانی آنان نمی‌رود. بنابر این هم اکنون حدود ۱۶ هزار بازنشسته ذوب آهن اصفهان، با مشکل پرداخت نشدن هزینه‌های درمانی از سوی صندوق فولاد روبرو هستند. آنها در این خصوص از مسئولان وزارت رفاه و وزیر کار می‌خواهند تا به مشکلاتمان برای همیشه خاتمه دهند.

تعدادی از کارکنان وزارت نفت به دیوان عدالت شکایت کردند!

به گزارش روز جمعه ۱۸ فروردین ماه، جمعی از پرسنل استخدامی سال ۹۳ وزارت نفت، در رابطه به دستورالعمل اختیارات وزارت نفت ماده ۱۰، شکایت خود را به دیوان عدالت اداری بردند. یکی از این کارکنان می‌گوید: مسائل اصلی مطرح در این شکایات، پایه حقوقی پایین، افزایش سن بازنشستگی از ۶۰ به ۶۵ سال و افزایش مدت پیمان برای کارمندان استخدام جدید از ۲ سال به ۳ و ۵ سال است.

۶ نفر از کارگران معترض پالایشگاه که در سال ۹۵ دستگیر شده بودند، آزاد شدند!



روز پنجشنبه ۲۴ فروردین ماه، نعمت صادقی دادستان کرمانشاه در یک نشست خبری به مباحث مطرح شده در ارتباط با پالایشگاه کرمانشاه اشاره کرد و گفت: در مورد اصل واگذاری پالایشگاه و قیمت‌گذاری آن مباحثی مطرح است که مراجع قانونی شامل کمیسیون مجلس، دیوان محاسبات و سازمان بازرسی در حال بررسی موضوع هستند و به وظیفه خود عمل می‌کنند. ورود دستگاه قضا ارتباطی با اصل واگذاری و کیفیت آن ندارد و صرفاً به دلیل تجمع بدون مجوز و مستمر افرادی بود که می‌توانست باعث اختلال در نظم، تخریب و توهین شود. در این گزارش به نقل از دادستان کرمانشاه آمده که: اگر مطالباتی هست باید به روش قانونی پیگیری شود، در غیر اینصورت زمینه را برای استفاده افراد مغرض فراهم می‌کند. به همین دلیل جلسه‌ای در این خصوص برگزار شد و افراد تجمع‌کننده متعهد شدند از روال قانونی مطالبه خود را پیگیری کنند. ۶ نفر هم در این رابطه در سال ۹۵ دستگیر شده بودند که همه آنها آزاد شدند. در خاتمه گزارش آمده که: دی ماه سال ۹۵، کارگران پالایشگاه نفت کرمانشاه در اعتراض به واگذاری پالایشگاه به بخش خصوصی و زیر سؤال رفتن امنیت شغلیشان، چندین بار دست به تجمع زده بودند که به همین دلیل هم تعدادی از کارگران معترض دستگیر شده بودند.

افزایش ۲۸ درصدی جانباختگان حوادث

کار در تهران!



مدیر کل پزشکی قانونی استان تهران روز دوشنبه ۲۸ فروردین ماه اعلام کرد: از ابتدای فروردین تا پایان بهمن ماه سال گذشته (۹۵) تعداد ۳۵۹ نفر به دلیل صدمات ناشی از حوادث کار در این استان فوت کردند. این میزان در مقایسه با مدت مشابه سال ۹۴، ۲۸۰ نفر فوت شده، ۲۸ درصد افزایش را نشان می‌دهد. در این بازه زمانی تعداد ۳۵۳ نفر از فوت شدگان دارای جنسیت مرد و ۶ نفر دیگر زن بوده‌اند.

بیش از ۷۰ کارگر این کارخانه را به خطر انداخته است. برخلاف وعده‌هایی که پیش از این توسط مدیریت این کارخانه در خصوص حمایت از کار و تولید داده شده بود، در عمل فعالیت این کارخانه سازنده دستمال کاغذی متوقف شده است. این کارگر با اشاره به عدم پرداخت ۸ ماه دستمزد کارگران این کارخانه افزود: عدم پرداخت مطالبات مزدی کارگران برای مدیریت این کارخانه تبدیل به عادت شده است و قابل درک نیست که با وجود اینکه محصولات کارخانه به فروش می‌رسد چرا مطالبات مزدی کارگران پرداخت نمی‌شود. وی در خاتمه با تأکید بر اینکه تعداد کارگران کارخانه روز به روز در حال کاهش است می‌افزاید، هیچ کدام از کارگران این کارخانه از بابت امنیت شغلی خیال آسوده‌ای ندارند و به جد نگران معیشت خود و خانواده‌هایشان هستند.

جان باختن یک کارگر معدنچی و

مصدمیت کارگر دیگر در البرز مرکزی!

صبح روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه، ۲ کارگر واحد زغال سنگ البرز مرکزی در منطقه لاله بند پایین از توابع شهر زیرآب، بر اثر ریزش تونل دچار حادثه شدند. در این حادثه کاری یک کارگر ۴۰ ساله جان خود را از دست داد و کارگر ۴۸ ساله دیگر از ناحیه کمر و قفسه سینه دچار مصدمیت شده و به بیمارستان شهدای زیرآب منتقل شد.

تجمع کارگران اخراجی و بازنشسته

کارخانه قند، مقابل استانداری!



روز چهارشنبه ۳۰ فروردین ماه، کارگران معترض قند یاسوج که تعدادشان نزدیک به ۱۰۰ نفر می‌رسید، همراه با خانواده‌هایشان با تجمع در مقابل ساختمان استانداری کهگیلویه و بویراحمد خواسته‌های صنفی خود را مطرح کردند. حدود ۱۳۰ نفر از کارگران اخراجی و بازنشسته کارخانه قند یاسوج، از حدود ۲ سال پیش بدنبال مطالبات مزدی و سنواتی خود هستند که هنوز محقق نشده است. در این گزارش تأکید شده که در عین حال یکی از اصلی‌ترین مطالبات این کارگران، تخلیه واحدهای مسکونی سازمانی این کارخانه است که کارگران مورد نظر از سالها قبل ساکن آن هستند. اخیراً کارفرمای این کارخانه برای گروهی از کارگران ساکن در خانه‌های سازمانی کارخانه اختیاریه تخلیه فرستاده است، به همین دلیل با مراجعه به استانداری از مسئولان این نهاد دولتی می‌خواهیم به مشکلاتمان رسیدگی کنند.

از ورود ۲۵ نفر از کارگران کارخانه

"تولی پرس" و بسته بندی البرز

به محل کار جلوگیری شد!



صبح روز شنبه ۱۹ فروردین ماه، شماری از کارگران شاغل در ۲ کارخانه "تولی پرس" و بسته بندی البرز گفتند: پس از مراجعه به محل کارشان در نخستین روز کاری این ۲ واحد تولیدی در سال ۹۶، مطلع شدند که تعداد ۲۵ نفر از همکاران آنها از ورود به محل کار خود منع شده‌اند. بر اساس این گزارش، کارگران شاغل در ۲ واحد تولیدی که در استخدام کارفرمایی واحد هستند در حدود ۵۸۰ نفر برآورد می‌شود و از قرار معلوم کارفرما به منظور تعدیل قسمتی از این کارگران از ورود تعداد ۱۵ نفر از کارخانه "تولی پرس" و ۱۰ کارگر دیگر از کارخانه بسته بندی البرز، به درون محل کارشان جلوگیری کرده است. تعداد ۳ نفر از این کارگران تعدیل شده دارای قرارداد دائم هستند، باقیمانده کارگران به صورت قراردادی در استخدام کارفرما بوده‌اند. در خاتمه این گزارش به نقل از کارگران آمده است که: پیش از این به دستور کارفرمای مشترک برای همه کارگران تا تاریخ ۱۹ فروردین ماه مرخصی اجباری تعیین شده بود. روز شنبه ۲۶ فروردین ماه، کارفرما به کارگران تعدیل شده اطلاع داده برای گرفتن نامه ترک کار خود به کارخانه مراجعه کنند. در این بین تعدادی از کارگران نامه ترک کار خود را گرفته اند تا بتوانند از مقرری بیمه بیکاری استفاده کنند. در عین حال کارگران تعدیل شده "تولی پرس" و بسته بندی البرز در این رابطه گفتند: مجموع مطالبات مزدی آنان به حدود ۲۵۰ میلیون تومان می‌رسد. این مطالبات مربوط به دستمزد اسفند ماه سال ۹۵، اضافه کاری اسفند ۹۴، حق شیفت فروردین ۹۴ تا اسفند ۹۵ به همراه چند سال سنوات و اضافه کاریها و تعطیل کاریها می‌شود. به اعتقاد کارگران تعدیل شده، در شرایط کنونی که بیکاری بیداد می‌کند قطع یقین برای افرادی که در موقعیت جسمی و سنی ما هستند؛ راه آبرومندی برای گذران زندگی و تامین معاش خانواده وجود ندارد.

بلا تکلیفی ۷۰ کارگر در پی توقف فعالیت

تولید توسط کارفرما!

روز شنبه ۲۶ فروردین ماه، یکی از کارگران کارخانه نوظهور تولید کننده دستمال کاغذی‌های نرمة گفت: مدیریت این کارخانه خلاف وعده‌های خود فعالیت‌های کارخانه نوظهور را متوقف کرده و معیشت و امنیت شغلی

**برای آشنایی با دیدگاه ها و
تحلیل های چریکهای فدائی
خلق ایران از سایت های زیر
دیدن کنید:**

www.siahkal.com

www.ashrafdehghani.com

**برای تماس با چریکهای فدائی خلق
ایران با نشانی زیر مکاتبه نمایند:**

BM BOX 5051

LONDON

WC1N 3XX

آدرس پست الکترونیکی:

E-Mail:

ipfg@hotmail.com



چریکهای فدائی خلق ایران



"زمانی که فردی به فردی دیگر آسیب جسمی وارد می آورد، آن هم آسیبی که به مرگ وی بیانجامد، این را ما قتل غیر عمد می نامیم؛ و هنگامی که شخص ضارب از پیش بداند که آسیب وارده به مرگ طرف مقابل منجر خواهد شد، آنگاه عمل او را قتل عمد می نامیم. هنگامی که جامعه صد ها پرولتر را در چنان وضعی قرار می دهد که آنها به طور حتم به دام مرگی زودرس و غیر طبیعی می افتند، مرگی به همان اندازه ناشی از اعمال خشونت که مرگ در اثر شلیک گلوله و یا به ضرب شمشیر، وقتی جامعه هزاران انسان را از شرایط لازم حیات محروم ساخته و آنها را در شرایطی قرار می دهد که در آن قادر به زندگی کردن نیستند، وقتی آنها را به زور جوب قانون مجبور می سازد که در این شرایط بمانند تا مرگ که نتیجه اجتناب ناپذیر این شرایط است فرا رسد؛ وقتی جامعه می داند و به خوبی هم می داند که این هزاران نفر اجباراً قربانی این شرایط خواهند شد، و با وجود این، شرایط مربوطه را برقرار نگاه می دارد، این عمل جامعه یک نوع قتل عمد است، درست مثل قتل عمد توسط یک فرد؛ قتل پنهانی و خائفانه، قتلی که هیچ کس نمی تواند در قبال آن از خویشتن دفاع کند. قتلی که ظاهراً قتل نیست، زیرا کسی قاتل را نمی بیند، زیرا که مرگ این قربانی چونان مرگی طبیعی به نظر می آید چرا که در آن، تعرض به عمل آمده بیشتر ناشی از بی عملی ست تا انجام وظیفه. ولی در هر حال در اینجا ارتکاب به قتل عمد محرز است "

(فردریک انگلس "وضع طبقه کارگر در انگلستان")

بر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!